



«فرهنگستان» از جهت گیری برنامه توسعه درباره آموزش عالی خصوصی گزارش می دهد

سانسور یکسوم آموزش عالی در برنامه هفتم

عملی برای رفع چالش های حوزه های مختلف، توانمندتر کند.

هدف برنامه هفتم، تربیت پزشک بدون نگاه تخصصی به ظرفیت غیردولتی

مردمی سازی نظام آموزش عالی در حوزه علوم پزشکی هم هدف دیگر سانسور برنامه هفتم توسعه به شمار می رود؛ مولفه ای که در صورت تحقق می تواند شرایط کنسور را در حوزه تربیت نیروی تخصصی برای نظام سلامت که طی سال های اخیر صدای رنگ هشدار آن به ویژه در برخی رشته ها مانند طب اورژانس، جراحی قلب و... به صدا درآمده، به حالت قابل قبول برساند. البته یکی از حساسیت های این بخش، حفظ کیفیت آموزش است. موضوعی که باعث شده تا بخش قابل توجهی از زیرنظام های آموزشی امکان ورود به آن نداشته باشند و در عمل وظیفه تربیت نیروی انسانی در حوزه های پزشکی، پیراپزشکی، داروسازی و... برعهده دانشگاه های وابسته به وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد باشد. در این میان بند «ه» ماده ۹۶ سند هم به صراحت تاکید کرده که این وزارتخانه اجازه دارد تا در مردمی سازی نظام آموزش عالی علوم پزشکی و پاسخگویی به تقاضای جامعه در رشته های مورد نیاز از توانمندی های بخش غیردولتی و خصوصی در ارائه خدمات آموزش عالی این حوزه با رعایت مصوبات مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام کند. درست است که در این بند هم عنوان بخش خصوصی و غیردولتی آورده شده، اما عملا این دانشگاه که می توان آن را متولی دوم آموزش پزشکی در کشور دانست، با وجود اینکه تنها در استان تهران چهار بیمارستان جامع آموزشی، تخصصی و فوق تخصصی و یک کلینیک داشته و در استان های دیگر هم از ظرفیت بیمارستانی برای تربیت دانشجو برخوردار بوده، در این سند نادیده گرفته شده است. موضوع مهم این است که قطعا تربیت دانشجوی پزشکی موضوعی نیست که بتوان بدون در نظر گرفتن زیرساخت های مورد نیاز از حیث سخت افزاری و نرم افزاری و همچنین تخصص لازم برای ارائه آموزش های علمی، تحقق آن را برعهده بخش خصوصی گذاشت؛ اتفاقی که کم توجهی به آن می تواند خسارت های جبران ناپذیری را به نظام سلامت وارد کند. با این حال به نظر می رسد قرار نیست برنامه هفتم توسعه در حوزه های نام برده شده، نگاهی عملی و علمی به ظرفیت های بخش خصوصی در حوزه آموزش عالی داشته باشد و صرفا با قید بخش خصوصی در برخی از حوزه ها تلاش می کند سهمی برای غیردولتی ها در این حوزه قائل شود.

آنچه از کلیت برنامه هفتم در بحث آموزش و آموزش عالی برمی آید این است که با وجود چالش های مختلفی که کشور در این حوزه با آن روبرو است، باز هم قرار است وظیفه تحول در این بخش برعهده بخش دولتی گذاشته شود؛ اتفاقی که شاید در حیطه سند نویسی و در یک کلام، اسناد بالادستی حداقل روی کاغذ موفق عمل کند؛ اما اگر نگاهی به وضعیت دانشگاه های دولتی کشور داشته باشیم که چند سالی می شود دغدغه اصلی شان تامین حقوق و دستمزد کارکنان و اعضای هیات علمی خود شده، باید عنوان کرد نمی توان بدون در نظر گرفتن واقعیت میدان آموزش عالی انتظار تحقق اهداف قید شده در این سند را داشت؛ اتفاقی که در اسناد توسعه ای گذشته هم وجود داشته و انتظار می رفت تدوین کنندگان برای برنامه هفتم توسعه پنج ساله کشور، حساب ویژه تری روی بخش غیردولتی که شرایط لازم را برای تربیت نیروی انسانی در حوزه های مختلف دارد، داشته باشند.



تسهیل شرایط لازم برای پذیرش، رقابتی کردن قیمت گذاری شهریه، تقویت تبادل پذیری برنامه های درسی دانشگاه های کشور با دانشگاه های خارجی و... پذیرش کنند. البته این همه آنچه سند برنامه هفتم هدف گذاری کرده نیست بلکه طبق بند «ه» هم دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی این اجازه را دارند تا با مشارکت دانشگاه های معتبر بین المللی اقدام به ایجاد واحد و شعب دانشگاهی در مناطق آزاد تجاری، شهرهای مرزی و خارج از کشور کرده و طبق تبصره این بند هم حداقل ۳۰ درصد از ظرفیت پذیرش این واحدها باید به دانشجویان غیرایرانی اختصاص پیدا کند. شاید خواندن این بندها نشان دهنده برنامه ریزی قابل قبول برای پذیرش این دسته از دانشجویان باشد، اما واقعیت این است که ظرفیت دانشگاه آزاد به عنوان یکی از مراکز اصلی کشور در برنامه ریزی و تدوین راهکارها برای پذیرش این دانشجویان، نادیده گرفته شده است. به عبارت دقیق تر طبق آماري که اردیبهشت ماه سال گذشته از زبان رئیس دانشگاه آزاد بیان شده، این دانشگاه ميزبان ۶۰ هزار دانشجوی خارجی است. البته این تنها نشان دهنده بخشی از توانایی برای پذیرش و تربیت این دانشجویان است؛ چرا که امروز دانشگاه آزاد واحد بین المللی لبنان، کابل، امارات، اکسفورد و عراق را دارد و طبیعتا می تواند سهم بسزایی در تحقق هدف تعیین شده در سند داشته باشد. با این حال به نظر می رسد در این بخش هم قرار نیست توجهی به ظرفیت کشور در این حوزه انجام شود؛ اتفاقی که طبیعتا در حیطه اجرا می تواند چالش های جدی برای تحقق اهداف سند برنامه هفتم به همراه بیاورد.

توجه به ماهیت هنرستان که تلفیقی از آموزش عملی و تئوری در کنار یکدیگر را می طلبد و با توجه به اینکه در این بند ساز و کارهای چگونگی ارزیابی بخش خصوصی برای ورود به این حوزه اعلام نشده و بیشتر بار روی بنگاه های اقتصادی که طبیعتا توانایی علمی لازم برای این کار را ندارند، گذاشته شده؛ مشخص نیست در درآمدت چه شرایطی را در حوزه هنرستان های اینچنینی خواهیم داشت. اما در این میان باید این مساله را هم مدنظر قرار داد که بخش های غیردولتی قید شده در این بخش تا چه میزان تجربه و توانایی اداره چنین هنرستان هایی را دارند؟ با این حال نکته قابل توجهی که باید در بحث آموزش های مهارتی و تحقق آن در دوره متوسط مدنظر قرار داد این است که ظرفیت دانشگاه آزاد با اربابان ۷۹۰ مدرسه سما که طبیعتا شیوه آموزش متفاوتی را هم دنبال می کند، نادیده گرفته است. البته به گفته محمد بطحایی، وزیر اسبق آموزش و پرورش در مجموع این سند به شدت با رویکرد دولتی به آموزش عالی و مهارتی نگاه کرده تا جایی که شاهد یک نوع مواجهه غیرحرفه ای با بخش غیردولتی در این برنامه هستیم؛ اتفاقی که قطعا تحقق آن در وهله اول به ضرر جامعه و بعد از آن به ضرر ساختار آموزش و پرورش کشور خواهد بود.

توجه به ماهیت هنرستان که تلفیقی از آموزش عملی و تئوری در کنار یکدیگر را می طلبد و با توجه به اینکه در این بند ساز و کارهای چگونگی ارزیابی بخش خصوصی برای ورود به این حوزه اعلام نشده و بیشتر بار روی بنگاه های اقتصادی که طبیعتا توانایی علمی لازم برای این کار را ندارند، گذاشته شده؛ مشخص نیست در درآمدت چه شرایطی را در حوزه هنرستان های اینچنینی خواهیم داشت. اما در این میان باید این مساله را هم مدنظر قرار داد که بخش های غیردولتی قید شده در این بخش تا چه میزان تجربه و توانایی اداره چنین هنرستان هایی را دارند؟ با این حال نکته قابل توجهی که باید در بحث آموزش های مهارتی و تحقق آن در دوره متوسط مدنظر قرار داد این است که ظرفیت دانشگاه آزاد با اربابان ۷۹۰ مدرسه سما که طبیعتا شیوه آموزش متفاوتی را هم دنبال می کند، نادیده گرفته است. البته به گفته محمد بطحایی، وزیر اسبق آموزش و پرورش در مجموع این سند به شدت با رویکرد دولتی به آموزش عالی و مهارتی نگاه کرده تا جایی که شاهد یک نوع مواجهه غیرحرفه ای با بخش غیردولتی در این برنامه هستیم؛ اتفاقی که قطعا تحقق آن در وهله اول به ضرر جامعه و بعد از آن به ضرر ساختار آموزش و پرورش کشور خواهد بود.

توجه به ماهیت هنرستان که تلفیقی از آموزش عملی و تئوری در کنار یکدیگر را می طلبد و با توجه به اینکه در این بند ساز و کارهای چگونگی ارزیابی بخش خصوصی برای ورود به این حوزه اعلام نشده و بیشتر بار روی بنگاه های اقتصادی که طبیعتا توانایی علمی لازم برای این کار را ندارند، گذاشته شده؛ مشخص نیست در درآمدت چه شرایطی را در حوزه هنرستان های اینچنینی خواهیم داشت. اما در این میان باید این مساله را هم مدنظر قرار داد که بخش های غیردولتی قید شده در این بخش تا چه میزان تجربه و توانایی اداره چنین هنرستان هایی را دارند؟ با این حال نکته قابل توجهی که باید در بحث آموزش های مهارتی و تحقق آن در دوره متوسط مدنظر قرار داد این است که ظرفیت دانشگاه آزاد با اربابان ۷۹۰ مدرسه سما که طبیعتا شیوه آموزش متفاوتی را هم دنبال می کند، نادیده گرفته است. البته به گفته محمد بطحایی، وزیر اسبق آموزش و پرورش در مجموع این سند به شدت با رویکرد دولتی به آموزش عالی و مهارتی نگاه کرده تا جایی که شاهد یک نوع مواجهه غیرحرفه ای با بخش غیردولتی در این برنامه هستیم؛ اتفاقی که قطعا تحقق آن در وهله اول به ضرر جامعه و بعد از آن به ضرر ساختار آموزش و پرورش کشور خواهد بود.

بی توجهی به ظرفیت بالای دانشگاه آزاد برای پذیرش دانشجوی خارجی

فصل ۲۰ این سند هم ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی کشور را هدف قرار داده که یکی از سنجه های مرتبط برای رسیدن به اهداف آن را باید رسیدن به جمعیت ۳۲۰ هزار نفری دانشجویان خارجی در کشور دانست؛ هدفی که معنایش ۳ برابر شدن جمعیت امروز این دانشجویان است. بر اساس بند «ب» ماده ۹۸ این سند، دو وزارتخانه علوم و بهداشت مکلف شدند تا با همکاری وزارت خارجه، دانشجویان خارجی را در سقف ظرفیت دانشگاه های دولتی و غیردولتی با انجام برنامه هایی مانند



زهرا رضایی خبرنگار گروه دانشگاه

برنامه هفتم توسعه را که این روزها در راهروهای بهارستان در حال بررسی است باید نقشه راه پنج سال آینده کشور در حوزه های مختلف دانست. نقشه راهی که از اواخر دهه ۶۰ با تصویب و اجرای اولین برنامه پنج ساله سرلوحه کار مسئولان دستگاه های اجرایی قرار گرفته و از همان زمان تا امروز، شش برنامه توسعه ای تدوین، تصویب و اجرا شده است. هر چند که هیچ کدام از آنها آن طور که باید در میدان اجرا، موفق نبوده اند و شاهد مثال این امر را هم باید اظهارات رئیس مجلس در سال گذشته مبنی بر عدم تحقق ۳۰ درصدی این اسناد دانست؛ اما نمی توان این موضوع را هم کتمان کرد که اگر در زمان تصویب این اسناد به واقعیت موجود کشور و همچنین ظرفیت ها توجه دقیقتری می شد و در مقابل در حیطه اجرا هم، اقدامات مبتنی بر اهداف تعیین شده دنبال می شد، طبیعتا امروز وضعیت کشور در حوزه های مدنظر شرایط دیگری داشت. موضوعی که به نظر می رسد در برنامه هفتم هم تا حد زیادی صدق می کند و اهداف و اقدامات تعیین شده آن طور که باید منطبق با شرایط نبوده و موضوع اساسی تر اینکه از ظرفیت ها به ویژه ظرفیت بخش خصوصی در بخش های مختلف غفلت شده است.

بنگاه های اقتصادی داعیه دار تحقق آموزش مهارتی در هنرستان ها می شوند؟

آموزش و پرورش را باید یکی از ارکان مهم در تغییر نظام آموزشی کشور دانست. بخشی که طی سال های اخیر با انتقادات زیادی همراه بوده و چالش های زیادی را هم داشته است که شاید مهم ترین آن را بتوان طرح تربیت بندی معلمان و چالش های مالی این قشر دانست. در چنین شرایطی این وزارتخانه باید براساس سند گام های بلندی را هم بردارد. به عبارت دیگر این بخش ۸ سنجه مختلف در سند برنامه هفتم دارد که از جمله مهم ترین آن می توان به بحث پوشش آموزش های فنی و حرفه ای و مهارتی در دوره متوسط دوم اشاره کرد؛ بخشی که طبق هدف گذاری صورت گرفته باید تا پایان برنامه، سهم تحقق آن ۴۵ درصد باشد. نکته قابل توجه در این میان آن است که سهم ۳۰ درصدی این حوزه در برنامه ششم توسعه هم محقق نشده و امروز سهم آموزش های مهارتی تنها ۱۶ درصد است. در چنین وضعیتی با توجه به اینکه باز هم خبری از دخیل شدن بخش غیردولتی در ارائه این آموزش ها نیست، بعید به نظر می رسد صرفا با اتکا به بخش دولتی بتوان هدف قید شده در این سند را محقق کرد. البته در این میان یکی از راهبردهای تعیین شده در سند بازرحی و توسعه رشته های آموزش های فنی، حرفه ای و مهارتی در دوره متوسط دوم است که باید براساس آینده پژوهی و توسعه زیرساخت های کمی و کیفی هنرستان ها انجام شود، اما نکته قابل توجه در این میان آن است که این کار باید با مشارکت سازمان ها، نهاد های عمومی غیردولتی، شهرک های صنعتی، صاحبان صنایع و مشاغل اتحادیه های حرفه ای اصناف و بنگاه های اقتصادی انجام شده و زمینه تحقق آن هم راه اندازی هنرستان های جوار کارخانه است. سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که با

چارسوی فناوری



تولید ماده ای که از نابینایی جلوگیری می کند

نازک شدن قرنیه در اثر عفونت های باکتریایی بیماری هایی مانند قوز قرنیه ایجاد می شود و در صورت بی توجهی ممکن است نابینایی را در پی داشته باشد. درحال حاضر بهترین درمان برای نازک شدن قرنیه جایگزین کردن آن با یک نمونه سالم است که از یک جسد برداشته شده باشد. متاسفانه در سراسر جهان کمبود اهداکننده قرنیه وجود دارد. این بدان معناست که فقط تعداد کمی از مردم می توانند از قرنیه اهدایی استفاده کنند. علاوه بر آن جراحی پیوند قرنیه تهاجمی است و احتمال دارد پس از عمل نیز مشکلاتی به وجود بیاید. در همین راستا گروهی از محققان دانشگاه اوتوا به رهبری امیلیو آلارکان ماده زیستی ضخیم کننده قرنیه را ابداع کرده اند. عناصر کلیدی این ماده پپتیدهای کوتاه (زنجیره هایی از آمینواسیدها) و پلیمرهای طبیعی به نام گلیکو آمینوگلیکان ها هستند. فرآیند ساخت آن ساده است. با کمک عمل جراحی یک پکت کوچک در قرنیه ایجاد و سپس مواد به داخل آن تزریق می شود. هنگامی که ماده تزریقی در معرض پالس های نور آبی با انرژی اندک قرار گیرد، در عرض چند دقیقه به یک ساختار سه بعدی مانند بافت قرنیه تبدیل و پس از آن شفاف می شود. این فناوری تاکنون روی موش های زنده آزمایش شده است که هیچ عارضه ای را تجربه نکرده اند.



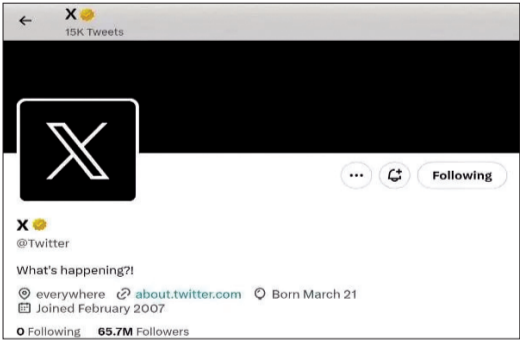
احتمال وجود ۴۰۰ سیاره سرگردان در کهکشان راه شیری

طبق یک پیش بینی جدید محققان، تلسکوپ آتی ناسا ممکن است بیش از ۴۰۰ سیاره با حجم مشابه زمین را رصد کند که در سراسر کهکشان راه شیری مخفی شده اند. تصور می شود حیات چنین سیاره هایی نخست در منظومه خود (مشابه منظومه شمسی) آغاز می شود اما آنها بعدا توسط یک میکائیمس ناشناخته از منظومه بیرون می شوند. با وجود تصویری آشنا از سیاره هایی که دور یک ستاره مدار می زنند، تحقیق جدید حاکی است که در کهکشان راه شیری وجود چنین سیاره های سرگردان و بدون ستاره ای در کهکشان راه شیری ۶ برابر بیشتر از سیاراتی هستند که دور ستاره مدار می زنند. دیوید بنت، مؤلف تحقیق و محقق ارشد ناسا در بیانیه ای در این باره گفت: «تخمین می زنیم در کهکشان ما تعداد سیاره های سرگردان ۲۰ برابر بیشتر از ستاره ها است. این نخستین سنجش ما از تعداد سیاره های سرگردان در کهکشان است که به سیاره هایی با حجم کمتر از زمین نیز حساس است.» به طور معمول سیاره های خارج از منظومه شمسی به وسیله تاثیری که آنها هنگام مدار زدن روی ستاره شان می گذارند، ردیابی می شوند. به عنوان مثال یک سیاره خارج از منظومه شمسی هنگام رد شدن از جلوی ستاره به کاهش نور آن منجر می شود.



گوگل به پرداخت ۳۳۸ میلیون دلار غرامت محکوم شد

هیات منصفه اعلام کرد سرویس «کروم کست» گوگل و دستگاه های دیگر این شرکت حق امتیاز اختراع شرکت «تاج استریم تکنولوژی» را نقض کرده اند. فناوری این شرکت بخش ویدئو از یک نمایشگر به نمایشگر دیگر را ممکن می کرد. حوزه کاستنند، سخنگوی گوگل اعلام کرد این شرکت خواستار تجدید نظر رای دادگاه می شود و فناوری را به طور مستقل توسعه داده است. از سوی دیگر رایان دایکال وکیل شرکت تاج اسکرین از رای دادگاه راضی بود. این شرکت مستقر در نیویورک در سال ۲۰۲۱ میلادی از گوگل شکایت و اعلام کرد دیوید استرور (بنیانگذار آن) فناوری مذکور را در سال ۲۰۱۰ میلادی ابداع کرد تا ویدئوها را از نمایشگرهای کوچک مانند موبایل به دستگاه های بزرگ تر مانند تلویزیون منتقل کند. طبق این شکایت گوگل در دسامبر ۲۰۱۱ میلادی با مقامات شرکت تاج استریم دیدار کرد اما چند ماه بعد گفت تمایلی به همکاری ندارد. گوگل دستگاه های مجهز به کروم کست را در سال ۲۰۱۳ میلادی عرضه کرد. تاج استریم اعلام کرد سرویس کروم کست گوگل از روی نوآوری های این شرکت کپی برداری شده و سه حق امتیاز اختراع شرکت را نقض کرده است، همچنین این شرکت مدعی شد بلندگوهای هوشمند «گوگل هوم»، «گوگل نست» و همچنین تلویزیون ها و بلندگوهای شرکت های دیگر با قابلیت کروم کست، حق امتیاز اختراعات آن را نقض کرده اند.



احتمال شکایت از توئیتر برای استفاده از لوگوی X

X به طور گسترده استفاده می شود و استفاده از آن در نشان تجاری ممکن است چالش های حقوقی دربر داشته باشد. اکنون شرکتی که قبلا با نام توئیتر شناخته می شد، ممکن است در آینده برای دفاع از برند X با چالش هایی روبرو شود. جاش گرین، وکیل حوزه نماج تجار در این باره گفت: «صد درصد احتمال دارد کسی از توئیتر شکایت کند.» به گفته او تاکنون حدود ۹۰۰ نشان تجاری فعال در آمریکا ثبت شده و حرف X در طیف وسیعی از صنایع به کار می رود. ماسک روز دوشنبه نام توئیتر را به X تغییر داد و از لوگوی جدید شبکه اجتماعی رونمایی کرد. مالکان برندها از نام، لوگو و شعار یک پلتفرم یا کارخانه محافظت می کنند که در حقیقت منابع هویتی کالاها هستند. در صورتی که برندهای دیگر بین محصول خود و آنها سردرگمی ایجاد کنند، مالکان می توانند شکایت کنند. نتیجه چنین شکایتی وسیع و غرامت های مالی یا منع استفاده را در پی دارد. مایکروسافت از سال ۲۰۰۳ میلادی یک نشان تجاری X مرتبط با ارتباطات و در حوزه سیستم بازی رایانه ای ایکس باکس را در اختیار دارد. متا پلتفرم نیز در سال ۲۰۱۹ میلادی یک نشان تجاری فدرال ثبت کرد که حرف آبی و سفید X را برای حوزه های مختلف از جمله نرم افزار و شبکه اجتماعی پوشش می دهد.